

"بسم الله الرحمن الرحيم"

جایگاه امیدواری و آرزومندی در دعای صباح

مریم طاوسی

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، یزد، میبد، بلوار خرمشهر، بلوار حجه الاسلام و المسلمین یحیی زاده،

aaaazzzz۴۳۴۳۲@gmail.com

دکتر احمد زارع زردینی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، یزد، میبد، بلوار خرمشهر، بلوار حجه الاسلام و المسلمین یحیی زاده

zarezardini@meybod.ac.ir

چکیده

از ضرورت های زندگی انسان، امید است. انبوهی از مشکلات که قرین بشر است، سبب شده تا ادیان به صورت کلی و اسلام به طور خاص به این نیاز بشری پاسخ هایی در خور دهد و با ابزارهایی به دست انسان ها برساند. در این میان اسلام و مکتب امامان شیعه به ارائه نگرش های صحیح در این باره پرداخته اند. از ابزارهایی که ایشان در این باره بیشتر از آن بهره برده اند، دعا است. دعا از طرفی تمام امید را متوجه خدا کرده و از طرف دیگر فرهنگ صحیح امیدواری و آرزومندی را درونی ساخته و آن را با اصیل ترین ساحت وجودی انسان (روح) در می آمیزد. امیدواری و آرزومندی در دعای صباح نیز در پرتو دو واژه «رجاء» و «امل» در این دعا انعکاس یافته است. در دعای صباح ۳ مرتبه کلمه "رجاء" و ۳ مرتبه کلمه "امل" و مشتقاتش آمده است. روش تحقیق به صورت تحلیلی- توصیفی است. پژوهش حاضر کوشیده است تا به تحلیل موضوع امید و آرزو در این دعا بپردازد. از یافته های پژوهش می توان به امید در مقام جبران کننده لغزشها، آرزوها یکی از راه های ورود به محضر خداوند، امید به مثابه وسیله برای کوبیدن درب وبه مثابه تنها سرمایه اشاره کرد.

کلمات کلیدی: امام علی (ع)، رجاء، امیدواری، امل، دعای صباح

۱- طرح مساله

امید داشتن؛ باور به نتیجه مثبت اتفاق‌ها یا شرایط، در زندگی است. امید احساسی است درباره اینکه می‌توانیم آنچه را که می‌خواهیم، داشته باشیم یا یک اتفاق، بهترین نتیجه را برای ما خواهد داشت. امیدوار بودن با خوش‌بین بودن متفاوت است. امید یک حالت احساسی است یعنی یکی از احساسات انسان است اما خوش‌بین بودن نتیجه یک روش و الگوی تفکر عمدی و اختیاری (بینش) است که باعث حالت و رفتار مثبت در انسان می‌شود.

دعای صَباح دعایی است که حضرت امیرالمومنین(ع) بعد از نماز صبح می‌خوانده و به گفته علمای شیعه بلندترین مضامین حکمی، عرفانی و کلامی را در قالب الفاظ و عبارات ادبی بیان کرده است. به علت اهمیت مضامین این دعا، عالمان و اندیشمندان متعددی آثاری در شرح این دعا نگاشته‌اند.

پژوهش حاضر در پاسخ به این سوال شکل گرفته است که جایگاه امید در دعای صباح چیست؟ امام اهمیت این مفهوم را چگونه و در ارتباط با چه موضوعاتی بیان نموده اند؟ رابطه آرزو (امل) و امید در این دعا چگونه تبیین شده است؟ براین اساس مقاله درآغاز به معرفی مبانی نظری پژوهش می‌پردازد و پس از آن به بازایی بیان امام علی(ع) درباره آرزو می‌پردازد.

۲- مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱- دعای صباح

قدیمی‌ترین منبعی که دعای صباح در آن دیده شده، کتاب اختیار المصباح (ابن باقی قرشی، ۱۳۹۰) تألیف سال ۶۵۳ق. از سید علی بن الحسین بن حسان بن الباکی القرشی معاصر محقق حلی و سید بن طاووس است. در کتاب های دعای پیش از آن نظیر مصباح المتعجد شیخ طوسی(طوسی، ۱۴۲۵) و (طوسی، ۱۴۱۱) از این دعا یاد نشده است.

مجلسی سندی دیگر نقل کرده که دعا را شریف یحیی بن قاسم العلوی العباسی الیمنی (در گذشته حدود ۷۵۳ق.) مکتوب بر پوستی بلند دیده و در کتاب خود در سال ۷۳۴ق. آن را نقل کرده است.

مشهور است که دعای صباح به خط کوفی بر روی پوستی بلند که به امضای حضرت علی(ع) رسیده، مکتوب و در دسترس بوده است. مجلسی می‌گوید: نسخه‌ای از آن را مولانا درویش محمد اصفهانی جدّ والد بر نور الدین علی بن عبد العالی کرکی در سال ۹۳۹ ق. خوانده و به او اجازه روایت داده است. طبق نقل مجلسی در بحارالانوار، حضرت علی(ع) این دعا را در روز پنج شنبه ۱۱ ذی الحجه سال ۲۵ قمری به دست مبارک خود نوشتند. (مجلسی، ۱۴۰۴،^۱)

^۱. مجلسی در بحار الانوار، باب ۴۰ أحرار مولانا أمير المؤمنين صلوات الله عليه و بعض أدعيته و عوداته و من جملتها دعاء الصبح و المساء له عليه السلام و ما يناسب ذلك المعنى و في مطاويها بعض أدعية النبي صلى الله

فیض کاشانی (۱۰۹۰ق.) این دعا را در آخر کتاب ذریعة الضراعة آورده است. (فیض کاشانی، ۱۳۸۷)

عبدالله بن صالح سماهیجی (۱۰۷۶-۱۳۵ق.) این دعا را در کتاب الصحیفة العلویة المبارکة آورده است. (سماهیجی، ۱۳۶۹، ۲)

با توجه به اینکه منابع فوق، جزو منابع قطعی به حساب نمی‌آیند و سندی قطعی نیز برای این دعا ذکر نکرده‌اند، دعای صباح، طبق اصطلاح علم درایة الحدیث، ظنی الصدور به حساب می‌آید. با این حال، مضامین حکمی، عرفانی و کلامی این دعا که در قالب الفاظ و عبارات فاخر و انواع صنایع لفظی و معنوی و فنون بلاغی درآمده، اعتباری سترگ به آن بخشیده و در نتیجه، علمای شیعه را بدین سو سوق داده است تا آن را قطعی الصدور فرض نمایند.

۲-۲- شروح دعای صباح

اهمیت مضامین این دعا، عالمان و محققان بسیاری را بر آن داشته است تا بر آن شرح بنویسند. آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعة (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۷۸ق) از شروح فارسی و عربی به صورت منظوم و منثور، ۲۳ مورد را نام برده است در ادامه به هر کدام اشاره می‌شود:

شرح های منظوم و منثور

علیه و آله ایضا ص ۲۴۷ اینگونه فرموده است: و وجدت فی بعض الكتب سنداً آخر له هكذا قال الشریف یحیی بن قاسم العلوی ظفرت بسفینه طویله مکتوب فیها بخط سیدی و جدی امیر المؤمنین و قائد الغر المحجلین لیث بنی غالب علی بن ابی طالب علیه افضل التحیات ما هذه صورته بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هَذَا دُعَاءٌ عَلَّمَنِی رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَكَانَ یَدْعُوْهُ بِهٖ فِی كُلِّ صَبَاحٍ وَهُوَ اللّٰهُمَّ یَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَّاحِ اِلٰی آخِرِهِ وَکَتَبَ فِی آخِرِهِ کتبه علی بن ابی طالب فی آخر نهار الخمیس حادی عشر شهر ذی الحجه سنه خمس و عشرين من الهجره. و قال الشریف نقلته من خطه المبارک و کان مکتوباً بالقلم الکوفی علی الرق فی السابع و العشرين من ذی القعدة سنه اربع و ثلاثین و سبعمائنه. (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴، ج ۹۱، ص ۲۴۷)

۲. در انتهای این دعا اضافاتی آورده است که می‌فرماید پس از اتمام دعا ۷ مرتبه بگو بکریمک پس بگو یا لطیف بعد از آن ۷ مرتبه بگو بلطفک پس بگو یا عزیز پس از آن ۷ مرتبه بگو بعزتک پس بگو رب الشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی و ارجعنی الی احسن الاحوال واصرف عنی کل افه و عاهه و کل بلیه بمحمد و آله سپس به سجده می‌روی و می‌گویی الهی قلبی محجوب و عقلی مغلوب و نفسی معیوب و هوایی غالب و طاعتی قلیله و معصیتی کثیره و لسانی مقر بالذنوب و معترف بالعیوب فما حیلتی یا علام الغیوب و یا ستار العیوب و یا غفار الذنوب اغفر لی ذنوبی کلها یا غفار واستر علی یا ستار بحمد و آله الاطهار برحمتک یا ارحم الراحمین.

- نظم فارسی ، للمولی ابی الوفاء الفه للنواب افراسیاب بیک ، ذکر فيه ان امیر المومنین ع سماه مفتاح الفتوح و رمزالکنوز و اسم الشرح (مفتاح الفلاح و مصباح النجاح) اوله : حمد حق لازم بود هر صبح و شام/ از سر صدق و صفا بر خاص و عام (ج ۱۳ ص ۲۵۲)
- شرح منظوم فارسی از مولی احمد بن سیف الدین استرآبادی، که با این بیت شروع می شود: دیباچه گفتار همان به که نهد کس/ برنام خداوند تعالی و تقدس (ج ۱۳ ص ۲۵۲)
- شرح دعای صباح از احمد بن محمد معروف به نشانچی زاده، متوفای ۹۸۶ ق (به نقل کشف الظنون، جلد ۱- ۴۳۱) (ج ۱۳ ص ۲۵۲)
- شرح دعای صباح از شیخ اسماعیل بن حسن بن محمد علی آل عبد الجبار قطیفی، شارح احتجاجات متوفای ۱۳۲۸ ق. (ج ۱۳ ص ۲۵۲)
- للفیلسوف الفاضل الملا هادی سبزواری المتوفی سنه ۱۲۸۹ رایته فی (مکتبه المولی محمد علی خوانساری) فی النجف منضمّا مع شرح دعا الصباح له و کان فراغه منه سنه ۱۲۶۷ و هو شرح لدعا جوشن الکبیر و قد طبعا مع تلك السنه و فی سنه ۱۳۲۲ (ج ۱۳ ص ۹۰)
- «مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصّباح» از مولی اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاء الدین محمد مازندرانی اصفهانی خواجویی متوفای ۱۱۷۳ هجری. نسخه‌ای از آن در کتابخانه حسینیّه تستریّه نجف و نسخه دیگر در کتابخانه امام امیر المؤمنین علیه السلام موجود است. (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از امیر محمد اشرف، مؤلف فضائل السادات، به فارسی. این شرح در نزد نوّه دختری مؤلف، سید جعفر میردامادی در اصفهان موجود است. (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از مولی اصغر بن محمد بن جمال قمی که در حدود سال ۱۱۱۵ ق در اصفهان تألیف و حاشیه‌ای نیز بر آن نوشته است. و در کتابخانه شیخ مشکور حولاوی درنجف موجود است. (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از میرزا جعفر بن حسین علی لواسانی مشهور به حکیم الهی، مقیم تهران، متوفای سال ۱۲۹۸ ق. (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از مولی حبیب الله بن علی مدد ساوجی کاشانی که در فهرست مؤلفاتش ذکر کرده است. (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از علامه حیدر قلی خان مشهور به سردار کابلی، مقیم کرمانشاه، متوفای ۱۳۷۳ ق، مؤلف کتاب «تحفة الأجلّة فی القبله». (ج ۱۳ ص ۲۵۳)
- شرح دعای صباح از میرزا زین العابدین شریف صفوی ابن فتحعلی بن عبد الکریم بن فتحعلی خویی به فارسی که در سال ۱۳۱۷ با اصل دعا به خط کوفی چاپ شده است. (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح از مولی عباس مشهور به عباس کیوان قزوینی متوفای سال ۱۳۵۰ ق به فارسی، فریده سی و دوّم کتاب «میوه زندگانی» مؤلف، ناقص و ناتمام در سال ۱۳۴۹ ق انتشار یافته است. (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح از میرزا عبد الرّحیم بن میرزا علی اصغر موسوی سبزواری، مقداری کوچک‌تر از شرح استادش حاج ملا هادی سبزواری است. (ج ۱۳ ص ۲۵۴)

- شرح دعای صباح از میرزا عبد الکریم ارومی معاصر صاحب «طائفة ریحان» ملقب به مقدّس که علامه شیخ محمد علی اردوبادی اشعاری در تقریظ آن سروده و ضمیمه کتاب «الحدیقة المبهجة» می باشد. با این بیت شروع می شود: لقد فاق المقدس فی یراع یبین للوری طرق الفلاح (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح از شیخ علی بن رضا خویی (متوّل ۱۲۹۲ ق و متوفای ۱۳۵۰ ق)، (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح از تاج العلماء سید علی بن محمد نقوی لکهنوی (متوفای سال ۱۳۱۲ ق) وی رساله‌ای بر رد انتقاداتی که بر این شرح شده، نوشته است. (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح نوشته میرزا محمد علی مدرّس بن نصیر الدّین رشتی نجفی (متوفای ۱۳۲۴ ق) (ج ۱۳ ص ۲۵۴)
- شرح دعای صباح از سید فاضل غنی نقی زیدپوری رضوی لکنهویی (متوفای سال ۱۳۵۷ ق) که به نقل از تذکرة العلماء، در کتاب «نجوم السّماء» آمده است. (ج ۱۳ ص ۲۵۵)
- شرح دعای صباح از سید قطب الدّین محمد حسینی نیریزی شیرازی مشهور به سید محمد قطب جدّ سادات ذهبیة شیراز (متوفای سال ۱۱۷۳ ق). (ج ۱۳ ص ۲۵۵)
- شرح دعای صباح از مولی محمد نجف کرمانی اخباری عارف (متوفای ۱۲۹۲ ق) در کتاب مطلع الشمس و مآثر الآثار نام این شرح آمده است. (ج ۱۳ ص ۲۵۵)
- شرح دعای صباح از سید محمدمهدی بن سید جعفر موسوی که در آخر کتاب خلاصه الأخبار از این شرح سخن به میان آمده است. (ج ۱۳ ص ۲۵۵)
- شرح دعای صباح از مولی محمدمهدی بن علی اصغر قزوینی به نام «جناح النّجاح». (ج ۱۳ ص ۲۵۵)

۲-۳- مضامین دعای صباح

دعای صباح با مناجات خداوند و ذکر نعمت‌های او از جمله پدید آوردن صبح، آفرینش آسمان، حرکت ستارگان و گردش آفتاب و ماه شروع می‌شود. سپس به یگانگی، علم، بخشنده‌گی، احسان و رحمت خدا اشاره می‌کند و به پیامبر (ص) و خاندان او درود می‌فرستد.

در فراز دیگر از خداوند حاجت‌هایی می‌طلبد؛ نعمت هدایت، و حلم و عدم تعجیل خداوند در عقوبت را یادآوری می‌کند. در ادامه علت آمدن خود به درگاه الهی را برای برآمدن خواسته‌ها معرفی می‌کند و علت دوری از خدا را هوی و هوس نفس می‌داند که با گمان‌های فاسد، آرزوها، ارتکاب گناهان و مخالفت فرمان

خدا موجبات هلاکت شخص را فراهم می‌کند. و امید خود به رحمت الهی و پناه گرفتن به درگاه او از شرّ خواهش‌های نفس را اظهار می‌دارد.

این دعا با بیان خواسته‌هایی از درگاه الهی ادامه پیدا می‌کند؛ رحمت بی‌کران الهی و اعتماد به قبول توبه و برآوردن امیدها و حاجات را یادآور می‌شود. به فقر و تهیدستی خود اشاره کرده عرضه می‌دارد: «خدایا چگونه برانی از درگاهت بیچاره‌ای را که در حال فرار از گناهان به تو پناه آورده یا چگونه نومید سازی راه جویی را که شتابان آهنگ حضرت تو را کرده یا چگونه بازگردانی تشنه‌ای را که برای نوشیدن (آب) بر سر حوض‌های تو آمده نه هرگز چنین نخواهی کرد»

در فرازهای بعد، دیگر بار رحمت الهی را یاد کرده، خداوند را وجودی معرفی می‌کند که «همه امیدها و آرزوها به او بازگشت می‌نماید و کار همه مخلوقات از حضرت او ساخته می‌گردد نه غیر او» و در ادامه عرضه می‌دارد که «من مهار نفس را به ریسمان محکم اراده تو بسته‌ام» و بر تفویض امور خود به خدا تاکید می‌کند. از خداوند هدایت می‌طلبد و قدرت، دانایی و رزاق بودن خدا را یادآور می‌شود.

در فقرات بعدی خداوند را از شریک، نقص، عیب و از صفات اجسام منزّه کرده، او را دارای جمیع صفات کمال معرفی می‌کند؛ به نعمت‌های خداوند اشاره و او را ستایش می‌کند؛ به پیامبر(ص) و آل او درود می‌فرستد و عصمت پیامبر(ص) و خاندان او را یادآور می‌شود. دعا با ستایش خداوند و با بیان حاجت‌هایی از درگاه الهی به پایان می‌رسد.

۲-۴- نقش امیدواری در زندگی انسان

امیدواری، حالتی نفسانی است که در آن، انسان به اموری که انتظارش را دارد دل بستگی پیدا کرده است. امید، در انتظار چیزی بودن است درحالی که بیشتر وسایل و اسباب آن فراهم شده است. (نامدار مرادی، ۱۳۹۰)

امروزه علیرغم پیشرفت‌های سریع فناوری، یکی از مشخصه‌های بارز و عینی در رفتار عموم مردم جامعه، مخصوصاً جوانان، ضعف امید و امیدواری نسبت به آینده است. به همین دلیل بهره‌مندی از نگرشی مثبت و امیدوارانه، ضمن ایجاد تلاشی هدفمند در انسان، سلامت روان او را نیز تضمین خواهد نمود. در روان‌شناسی مثبت‌نگر، اعتقاد بر آن است که سازه‌هایی همچون امید، می‌تواند از افراد در برابر رویدادهای استرس‌زای زندگی حمایت کند. به همین دلیل در یکی دو دهه‌ی اخیر، روان‌شناسان بطور جدّی به بررسی نقش امید در درمان انواع بیماری‌ها پرداخته‌اند که حاصل آن نیز، پیدایش نظریه‌ای به نام نظریه‌ی امید بوده است. از سویی دیگر، با توجه به تأثیر جهان‌بینی هر فرد در زدودن انواع بیماری‌ها، نمی‌توان از نقش دین در پیدایش امید غافل ماند. (محققیان، ۱۳۸۸)

تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که امیدوار بودن و امید به زندگی پیش‌بینی کننده عملکرد بهتر در زمینه‌های ورزشی، تحصیلی و اجتماعی است. به این معنا که هرچقدر امید در زندگی بالاتر باشد، در زندگیتان به موفقیت بیشتری خواهید رسید. امید فقط یک حس خوب نیست، بلکه سیستم انگیزش شناختی پویایی نیز هست. بر اساس این مفهوم، احساسات به دنبال شناخت حرکت می‌کنند و از این مسیر منحرف نمی‌شوند. امید منجر به داشتن اهداف یادگیری می‌شود که برای رشد و توسعه فردی مفید هستند.

اسنایدر (۲۰۰۰) معتقد است زمانی که افراد در راه دستیابی به اهداف خود به بن‌بست می‌رسند اهداف معمولی زندگی خود را رها می‌کنند و خودکشی را که یک هدف نامناسب استفاده برمی‌گزینند. چون امید به عنوان احساس دستیابی موفقیت‌آمیز به اهداف زندگی در نظر گرفته می‌شود، باورهای فرد را برای مقابله بهتر تقویت می‌کند که این خود تمایل به خودکشی را کاهش می‌دهد. داشتن معنا در زندگی در تعامل با امید می‌تواند سبب افزایش شادی، رضایت از زندگی، عواطف مثبت و کاهش افسردگی شود. معنا در زندگی با تجربه فرد از داشتن هدف در زندگی، رابطه با شخصی دیگر یا تجربه حضوری متعالی در درون فرد شکل می‌گیرد.

۲-۵- معنای لغوی رجا و امل

معمولاً امید و آرزو، در فرهنگ فارسی، در کنار یکدیگر به کار می‌روند، اما در زبان عربی به صورت جداگانه با عنوان‌های (رجا) و (امل) استعمال می‌شوند. با یک تحلیل می‌توان گفت: در هر امیدواری، آرزو هست، ولی هر آرزویی، امیدواری نیست. در مفردات راغب، رجا اینگونه بیان شده است: «الرَّجَاءُ ظَنٌّ يَقْتَضِي حُصُولَ مَا فِيهِ مَسْرَّةٌ وَ وَجْهٌ ذَلِكَ أَنَّ الرَّجَاءَ وَالْخَوْفَ يَتَلَازمان» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و (طبرسی، ۱۳۷۲) "رجاء" در لغت به معنای گمان به وقوع چیزی است که موجب خوشحالی باشد که در فارسی از آن به امید، تعبیر می‌گردد و وجه دیگر آن که با خوف همراه است که در این آیه بیان شده است "ما لكم لا ترجون لله وقاراً" (نوح: ۱۳) یعنی چیست که از عظمت خدا نمی‌ترسید. علت استعمال این کلمه، به معنای خوف این است که امیدواری آرزوست و شخص آرزومند بیم دارد که به آرزوی خود نرسد. همچنان که ذکر شد واژه ی رجا در هر دو مفهوم امید و بیم بکار رفته است؛ یعنی انسان به تحقق یافتن امری مطلوب که یقین دارد یا احتمال می‌دهد در آینده به وقوع می‌پیوندد، امید داشته باشد. امل: به معنی آرزو، امید است و در سوره حجر آمده است: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِفُ الْأَمَلُ» (حجر: ۳) بگذار بخورند و برخوردار شوند و آرزو سرگرمشان کند، این کلمه فقط دو بار در قرآن آمده است: ((كهف/۴۶، حجر/۳)) (قرشی، ۱۳۷۱).

۳- تحلیلی بر جایگاه امیدواری در دعای صباح بر پایه واژه امل

۳-۱- جبران کننده لغزشها

بنده همیشه در معرض لغزشها و هوی و هوس است و این می‌تواند برای انسان طالب حقیقت و عارف خوف ایجاد کند اما با توجه به حلم و بردباری ذات حق نسبت به لغزشها و معصیت‌های بندگان نور رجا و امید در دل زنده می‌

گردد و تعادل را ایجاد می کند. البته در این فراز از دعا حضرت با نوعی استفهام انکاری تنها مرجع امید بنده را ذات حق می داند .

وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا تَكَلِّفَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَاوَةِ الْهَوَى

و اگر مهلت مرا تسلیم آمل و آرزوهای باطل کند، آن گاه چه کسی لغزش هایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟
۳-۲- آرزوها یکی از راهای ورود به محضر خداوند

آرزوهای بنده وسیله ای است که انسان را امیدوار به درگاه خداوند می آورد اما ممکن است بنده از قرارگاه وصال دور گردد پس فضل حق همچون ریسمانی است که بنده خائف به آن چنگ می زند و امید و تعادل حاصل می گردد. إلهی اَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ خدایا تو بخوبی مرا می بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها (و آنها بود که مرا به درگاهت آورد). در این فراز به آرزوها از نوع آرزوی مثبت نگاه شده و به نوعی مقام جایگاه آرزو را تا آنجا بالا برده که حتی می تواند ما را به خدا نزدیک کند.

۴- تحلیلی بر جایگاه آرزومندی در دعای صباح بر پایه واژه رجاء

۴-۱- امید به مثابه وسیله برای کوبیدن درب

امید وسیله ای و دستی است که بنده با آن بر درب رحمت حق می کوبد.
إلهی قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي خدایا من در رحمت را بدست امیدم کوبیدم. از نظر همنشینی کلمات نیز در اینجا رحمت با رجا همنشین شده است یعنی ای خداییکه که ما امیدوار به رحمت توایم و با امیدواری در رحمت را کوبیدیم از تو بعید است که در را به روی ما نگشایی...

۴-۲- امید به مثابه تنها سرمایه و تنها تکیه گاه ؛ خدا؛ نهایت آرزوی عارفان

تنها نقطه رجاء و اعتماد بنده درگاه خداوند است: بارهای سنگین گناه با رجا به عفو و رحمت حق بر زمین نهاده می شود.

فَأَنْتَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ رَجَائِي وَأَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مَثْوَايَ

زیرا که تویی آقا و مولایم و تکیه گاه و امیدم و تویی منتهای خواسته و آرمانم در دنیا بزرگترین سرمایه بشر امیدواری است؛ بدون امیدواری ثروتمند هم که باشی گویا سرمایه ای در اختیار نداری. امام علی (ع) به زیباترین نحو این بهترین سرمایه را به تصویر کشیده است؛ آنجا که می فرمایند: اَرْحَمُ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ : ترحم کن به جان کسی که سرمایه اش امید به تو است .

وقتی انسان گمان داشته باشد که در آینده نعمتی نصیب او خواهد شد که از آن لذت می‌برد و بهره‌مند می‌شود، از این اندیشه، احساس خوب و حالت مطلوب و شیرینی به وی دست می‌دهد که این حالت «رجا» و «امید» نام دارد.

مرحوم مجلسی هنگام شرح و بیان حدیثی از امام صادق «ع» از اصول کافی در ذیل آن عبارتی را از قول علما نقل می‌کند: «بعضی از ارباب تحقیق در تشریح معنای رجا و امید چنین گفته‌اند آنچه که با انسان رابطه و تماس دارد چه خوب و محبوب و چه بد و ناپسند یا مربوط به گذشته است و یا الان و در زمان حاضر است و یا مربوط به آینده که انسان در انتظار اوست. بنابراین رجا و امید سرور و نشاط قلبی است که در حالت انتظار مطلوب و محبوب خود به سر می‌برد، و آنچه انسان انتظارش را میکشد، مقدمات و اسبابی برای موجود شدن آن فراهم می‌آورد که اگر برای رسیدن به این انتظار مقدمات و تلاشهای زیادی انجام داده باشد می‌توان نام رجا و امید بر آن نهاد ولی اگر بدون تهیه مقدمات و ترتیب اسباب در انتظار حصول مقصود باشد نام رجا منسب نیست و بلکه اطلاق نام «غرور و فریب و حماقت و سفاهت» صحیح‌تر و مناسب‌تر است. انسان اگر انتظار داشته باشد در آینده به یکی از خواسته‌هایش برسد، یا زبانی از او برطرف شود، حالت «رجا و امید» دارد و اگر مطمئن شود که در آینده به خواسته خود نمی‌رسد، یا زیانش برطرف نمی‌شود، حالت «یأس و ناامیدی» به وی دست خواهد داد. (تقدیری، ۱۳۹۳)

آدمی فطرتاً کمال‌طلب است، هر آنچه را که مطلوب و موجب کمال آدمی است، دوست دارد و به امید نیل بدان، تلاش می‌کند. زمانی انسان می‌تواند به کمال مطلوب خویش نائل گردد که علاوه بر تلاش و امیدواری، اسباب و شرایط بهره‌مندی از آن را نیز بشناسد. با شناخت اسباب و شرایط و بهره‌گیری از آنها و امید به رحمت الهی، و تلاش صادقانه می‌توان امیدوار بود که فرد به «مطلوب» خویش نایل آید. این امید «صادق» است، اما انسان با صرف امیدواری و با تلاش بدون شناخت اسباب و شرایط بهره‌مندی از کمال، ره به جایی نمی‌برد. در واقع، امید چنین فردی «کاذب» خواهد بود.

اگر کسی دارای ایمان واقعی بوده، درصدد باشد که ایمانش را تا دم مرگ پاس دارد و در عین حال امید به شفاعت داشته باشد، امید او صادق و عقل‌پسند است؛ چون او با فرض تحقق اسباب و شرایط بهره‌مندی از شفاعت بدان امید دارد. امید در زمینه فراهم ساختن شرایط و اسباب اگر کسی مرتکب گناهی شده باشد و بداند که خداوند امکان جبران گناهان را، هرچند سنگین و پرشمار باشند، فراهم می‌آورد و تا زنده است و قدرت انتخاب و اختیار دارد توبه کند و واقعا از کردار زشت خود پشیمان گردد و تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب گناه نگردد، رجا و امید او به بخشش خدا صادق است. اما اگر کسی اسباب و شرایط بهره‌مندی از رحمت خدا را نشناسد، یا با اینکه شهوت و غضب بر او غلبه نیافته و در شرایط عادی به سر می‌برد و امکان توبه برای او فراهم است، با این وجود توبه نمی‌کند و مکرراً توبه را به تأخیر می‌اندازد و در عین حال امید به رحمت الهی دارد، او کاذب است. او در صورتی می‌تواند امیدوار به رحمت خدا باشد که بداند با چه اسباب و تحت چه شرایطی خداوند انسان را مشمول رحمت خود می‌کند و با این وصف اگر از کردار زشت خود پشیمان گشت و توبه کرد، باید به جبران حقوق الهی و حقوق مردم که به تضییع آنها پرداخته همت گمارد، مثلاً به قضای نمازها و روزه‌هایی که از او قضا شده بپردازد و حقوق مالی خود را ادا کند. (مصباح یزدی

در صحیفه امام علی (ع) که مشتمل بر ادعیه امیرمومنان علی (علیه السلام) است آمده است: الهی لم اسلط علی حسن ظنی بک قنوط الایسین و لا تبطل صدق رجائی من بین الاملین خدایا! بر گمان نیکویم ناامیدی ناامیدان را مسلط نکرده ام، پس آرزوی نیکم در بین آرزومندان را باطل نساز. (قیومی اصفهانی ۱۳۷۸)، در اعمال روز جمعه، دعایی نقل شده است که واقعا جای تامل دارد: فأنا لمغفرتک ارجی منی لعملی: من به آمرزش تو امیدوارتر از کردار خود امیدوارتر هستم. فرد مومن هر عملی که انجام می دهد هر چند که با نیت صادقانه و قربه الی الله با آن می پردازد؛ ولی از لغزشهای احتمالی و یا حتی عمدی که در زندگی خود مرتکب می شود به مغفرت و بخشش الهی امید می بندد و فیض و بخشش او را به کمک می طلبد. (طوسی، ۱۴۱۱)

قسمتی از دعای روز جمعه که فقط به خدادار روز تنهایی امید دارد: لست أرجو لآخرتی و دنیای و لالیوم فقری یوم یفردنی الناس فی حفرتی و افضی الیک بذنبی سواک (مجلسی ۱۴۰۳،)، برای آخرت و دنیا و روز نیازم روزی که مرا در قبرم تنها گذارند و گناهم را به سویت آرم جز تو به کسی امید ندارم. وقتی ادعیه مشهوره در مفاتیح و صحیفه علویه مورد مطالعه قرار می گیرد بوی امید و امیدواری از کلمه به کلمه این ادعیه به استشمام می رسد. اصلا دعا با امید اجابت است که انجام می پذیرد و اگر امیدی به فضل وجود و بخشش الهی نبود دعایی انجام نمی گرفت. وقتی دعای صباح یا دعای کمیل و یا مناجات شعبانیه و یا حتی دعای روزها و ساعتها خوانده می شود انسان متوجه نوری پر تلالو و درخشان می شود که از اندرون و فطرت اصلی اش به فیضان در می آید و او را از همه غم و غصه رهانیده و در ملجا و پناهگاهی مطمئن به آرامش و سکینه وا می دارد.^۳

^۳- لازم به ذکر است اهمیت مفهوم امید آنچنان در ادعیه اهل بیت پررنگ است که یکی از دعاهاى امام سجاد، مناجات الراجین است که جزء مناجات‌های پانزده گانه است که از امام سجاد(ع) نقل شده: «یا من اذا ساله عبد اعطاه و اذا امل ما عنده بلغه و اذا اقبل علیه قربه و ادناه و اذا جاهره بالعصیان ستر علی ذنبه و غطاه و اذا توکل علیه احسبه و کفاه الهی من الذی نزل بک ملتصا قراک فما قریته و من الذی اناخ ببابک مرتجیا نذاک فما اولیته ایحسن ان ارجع عن بابک بالخیبه مصروفا و لست اعرف سواک مولی بالاحسان موصوفا کیف ارجو غیرک و الخیر کله بیدک و کیف اومل سواک و الخلق و الامر لک ءاقطع رجائی منک و قد اولیتنی مالم اساله من فضلک ام تفقرنی الی مثلی و انا اعتصم بحبلک یا من سعد برحمته القاصدون و لم یشق بنقمته المستغفرون کیف انسیک و لم تزل ذاکری کیف الهو عنک و انت مراقبى الهی بذیل کرمک اعلقت یدی ولنیل عطایاک بسطت املی فاخلصنی بخالصه توحیدک و اجعلنی من صفوه عبیدک یا من کل هارب الیه یلتجى ء وکل طالب ایاه یرتجى یا خیر مرجو یا اکرم مدعو و یا من لا یرد سائله و لا یخیب امله یا من بابه مفتوح لداعیه و حجابہ مرفوع لراجیه اسالک بکرمک ان تمن علی من عطائک بما تقربه عینی و من رجائک بما تطمئن به نفسی و من الیقین بما تهون به علی مصیبات الدنیا و تجلو به عن بصیرتی غشوات العمی برحمتک یا ارحم الراحمین. (قمی ۱۳۸۵)،

ای خداوندی که هر گاه بنده سوال از او کند عطا خواهد کرد، هرگاه امیدی بر او داشته باشد به امیدش می رساند، هرگاه بنده ای به او روی آورد مقربش می گرداند، هرگاه نافرمانی او کند برگنااهش پرده پوشی کند و ببوشاند و

نهایت آرزوی عارفان، خداشناسی است که یک امید و آرزوی برتر و مثبت است. اگر امید و آرزو از محدوده تنگ دنیای مادی خارج گردد و به آرمانی باقی و ثابت و همیشگی نظر افکنده شد، به آرزوی برتر نزدیک شده ایم. در دعای کمیل آمده است: يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ: ای منتهای آرزوی عارفان. امام علی (ع) می فرماید: (من یکن الله أمله یدرک غایه الامل و الرجاء؛ هر کس خداوند آرزو و آرمانش باشد، نهایت آرزو و امید را دریافته است). (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰).

قرآن مجید آرزویی را که متوجه ارزش های والای انسانی باشد و رنگ الهی به خود گیرد، برترین آروزها و امیدها دانسته است: آن جا که می فرماید: "الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا" (کهف: ۴۶) مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند و ارزش های پایدار و شایسته نزد پروردگارت ثوابش بهتر و امید بخش تر است.

۴-۳- با هم آبی امل و رجاء

در این فراز امل و رجاء در کنار یکدیگر بیان شده است.

وَأَسْمَعْ نِدَائِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَحَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي

و فریاد مرا بشنو و دعایم را به اجابت مقرون ساز و به فضل خویش آرزو و امید مرا تثبیت کن.

هرگاه بر او توکل کند او را به حساب خود گذارد و او را کفایت کند.. ای خدا! آن کیست که بر تو وارد شده و درخواست مهمانی کرد و تو مهمان نوازی نکردی؟! کیست با شوق عطای تو به درگاهت روی آورد و به او احسان نکنی؟! آیا خوب است به نومییدی از درگاهت برگردم؟! جز تو مولا و سروری نمی شناسم، تو متصف به احسانی چطور و چگونه به دیگران امید داشته باشم و همه خیر و نیکی ها به دست توست؟! چطور آرزومند دیگری باشم و حال اینکه خلق و فرمان از توست؟! آیا از تو قطع امید کنم با آنکه ناخواسته به من احسان کردی از فضل خودت یا مرا نیازمند چون خودم کنی و من به رشته لطف تو چنگ زدم، ای آنکه ارادتمندان به مهرت خوشبخت گردند و آمرزش جویان از انتقام بدبخت نشوند. چگونه فراموش کنم تو را و تو همیشه در یاد منی و چگونه دل به جای دیگر نهم و تو مراقب منی. خدایا! به دامان کرم دست انداختیم و برای عطایت دامن آرزویم را باز کردم پس مرا پاک کن به یگانه پرستی خالصت و قرار بده مرا از برگزیده های بندگان. ای آنکه هر که به او پناه برد و هر جوینده به او امیدوار باشد! ای بهترین امید و ای کریم ترین درخواست شده ها! ای کسی که رد سائل نکنی و آرزومند درگاهت را ناامید نسازی! ای که درگاهش باز است برای درخواست کنندگان و پرده اش فراز است برای امیدوارش! از تو می خواهم به کرم که بر من منت نهی تا به جایی که روشن شود بدان چشم من و از امیدت تا آرام شود بدان دلم و عقیده ای به من عطا کنی که آسان شود بدان بر من مصیبت های دنیا و برافتد بدان از بینایی ام پرده های کوری بر رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

آرزومندی به فضل و کرم الهی ضروری است. یکی از فواید امیدواری این است که فرد امیدوار آرزوی خود را در محقق شده می بیند چون به فضل و کرم خدا امید دارد و این یک امیدواری مثبت است در این عبارت امل و رجا با فضل قرین شده است.

این دعای دلربا با بیان توحیدی آغاز و با درود بر پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) راه مناجات را باز می نماید و با زبان عجز و بیان امید و کلام اعتراف درخواست عنایت از رب الارباب را تقدیم آستان ربوبی می کند، بدین شرح که مولایمان در یک بیان او را با قدرتش چنین توصیف می کند: "اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه" ای خدایی که با درآوردن زبان صبح تاریکی شب را سرگردان نمودی. یکی از آیات اعتقاد آور الهی وجود شب و روز است که در سوره مبارکه روم می فرماید: "من آیاته منامکم باللیل..." (روم: ۲۲) از نشانه های قدرت و عنایت خداوند این است که شب را قرار داد تا هنگام آرامش و آسایش خلق باشد و در آن زمان بیاسایند تا تجدید قوا نموده و در روز دیگر به وظایف بپردازند.

نتیجه گیری

نتایج بررسی دعای صباح از دریچه کاربرد دو مفهوم امل و رجا نشان می دهد:

- ۱- یکی از درونمایه های اصیل در دعای صباح مفاهیم مربوط به امیدواری و آرزومندی است .
- ۲- امام علی (ع) در دعای صباح تراز مباحث مربوط به امیدواری و آرزومندی را بسیار ارتقا داده است .
- ۳- آرزومندی لزوما امری مذموم نیست و در مراتبی از آن بسیار پسندیده است.
- ۴- یکی از راههای افزایش سطح امید در جامعه تبلیغ و ترویج خواندن ادعیه اهل بیت است.
- ۵- کسانی که با ادعیه اهل بیت مأنوسند به جهت تکرار این مضامین بر زبان ایشان و تاثیر بر ذهن و نفوذ به اعماق روحشان انسانهایی امیدوارتر هستند.
- ۶- بررسی مفهوم امید و آرزو در تمام ادعیه اهل بیت میتواند ابعاد مختلف این مفهوم را از نگاه اهل بیت ترسیم نماید.
- ۷- نقش عنصر امید به مثابه یک عنصر سبک ساز زندگی دینی نیز از نگاه اهل بیت قابل توجه است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ اول، دارالقرآن الکریم، تهران ۱۴۱۵
- ابن باقی قرشی، علی ابن حسین، ۱۳۹۰، اختیار المصباح الکبیر و ما اذیف من الکبیر من الادعیه، ج ۱، ص ۲۷۶، محقق مهدی دلیری گلپایگانی، زیر نظر لجنه التحقیق فی مکتبه العلامه المجلسی، ناشر مکتبه العلامه المجلسی، قم.
 - ابن باقی قرشی، علی ابن حسین، ۱۳۷۱، اختیار المصباح الکبیر و ما اذیف من الکبیر من الادعیه، ج ۱، ص ۱۱۳، محقق مهدی دلیری گلپایگانی، زیر نظر لجنه التحقیق فی مکتبه العلامه المجلسی، ناشر مکتبه العلامه المجلسی، قم.
 - آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، ۱۳۷۸، الذریعه الی تصانیف الشیعہ، گردآورنده احمد بن محمد حسینی، ج ۱۳، صص ۲۵۲ الی ۲۵۵، ناشر دار الاضواء، بیروت، لبنان.
 - تقدیری، محمد. ۱۳۹۳. مقاله/مید سرمایه/انسان. نشریه پاسدار اسلام. تیر و مرداد ۱۳۹۳. شماره ۳۸۹ و ۳۹۰
 - تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۴۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
 - خویی، مصطفی ابن محمد هادی، ۱۳۷۶، شرح دعای صباح، ج ۱ ص ۱۷، دفتر نشر میراث مکتوب، آیینه میراث، تهران
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۴۶، دمشق بیروت
 - سماهیجی، عبدالله بن صالح، ۱۳۶۹، الصحیفه العلویة، مترجم هاشم رسولی، نویسنده علی بن ابی طالب، امام اول، صص ۲۸۸ الی ۲۹۲، ناشر اسلامی، تهران،
 - طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۴۴، تهران، انتشارات ناصر خسرو
 - طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، مصحح علی اصغر مرواریدو ابوزر بیدار، ج ۱، ص ۲۸۵، مؤسسه فقه الشیعہ. بیروت لبنان
 - علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۴، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، ج ۹۱، ص ۲۴۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان
 - علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، ج ۸۶، ص ۳۳۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان
 - فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۳۸۷، ذریعه الضراعه فی جمع الادعیه المتضمنه للمناجاه مع الله تعالی، محقق فاطمه نقیبی، صص ۴۲۶ الی ۴۳۲، ناشر مدرسه عالی شهید مطهری، تهران
 - قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، ص ۱۱۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه
 - قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۵، مفاتیح الجنان، ص ۲۰۳، انتشارات اسوه
 - قیومی اصفهانی، جواد، ۱۳۷۸، صحیفه امام علی علیه السلام، ص ۲۵۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
 - محققیان، زهرا، ۱۳۸۸. تحلیل مفهوم "امید" از منظر قرآن و علم روان شناسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان
 - مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۹. نقش سازنده/مید به خدا/ در زندگی. نشریه معرفت. شماره ۱۵۶
 - نامدار مرادی، فرزانه. ۱۳۹۰. نقش حمایت های روانی، اجتماعی و اقتصادی بنیاد شهید در/امید به زندگی خانواده های شهدا/ در شهرستان سمنجان. پایان نامه. دانشگاه آزاد اسلامی

اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ وَ سَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاحِ تَلَجُّجِهِ وَ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ وَ شَعَّشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ وَ جَلَّ عَنْ مَلَأَمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَ بَعَدَ عَنْ لَحْظَاتِ الْعُيُونِ وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ وَ أَيَقْظِنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَ إِحْسَانِهِ وَ كَفَّ أَكْفَ السُّوءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ اللَّائِلِ، وَ الْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ وَ النَّاصِعِ الْخَسْبِ فِي ذِرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَغْبَلِ وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَخَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَ عَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ وَ افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ الْفَلَاحِ وَ الْبَسْنَى اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الْهِدَايَةِ وَ الصَّلَاحِ وَ اغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِي شَرْبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ وَ أَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ وَ أَدَبِ اللَّهُمَّ نَزَقِ الْخُرْقِ مِنِّي بِأَزْمَةِ الْقُنُوعِ. إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنْ السَّالِكِ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا تَكْ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَ الْمُنَى فَمَنْ الْمُقِيلِ عَثْرَاتِي مِنْ كَبَوَاتِ الْهَوَى وَ إِنْ خَذَلْنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَ الشَّيْطَانِ فَقَدْ وَكَلْنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبُ وَ الْحِرْمَانُ. إِلَهِي أ تَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَلِ أَمْ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي عَنْ دَارِ [أَصْرِيه] الْوَصَالِ فَبُسْنِ الْمَطِيئَةِ الَّتِي امْتَنَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَ مَنَاهَا وَ تَبَا لَهَا لِحُرَّاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَ مَوْلَاهَا إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِبِدِّ رَجَائِي وَ هَرَبْتُ إِلَيْكَ لِاجْتِنَاءِ مِنْ قُرْطِ أَهْوَائِي وَ عَلَقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِكَ أَنَامِلَ وَلَائِي فَاصْصَحْ اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ [كَانَ] أَجْرَمْتُهُ مِنْ ذَلِّي وَ خَطَائِي وَ أَقْلَبِي مِنْ صَرَعَةِ رِدَائِي فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مُعْتَمِدِي وَ [رَجَائِي] ، وَ أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مَنَآيَ فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ إِلَهِي كَيْفَ تَطَرَّدُ مَسْكِينَا النُّجَا إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبَا أَمْ كَيْفَ تُحَيِّبُ مُسْتَرْشِدَا قَصْدٍ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيَا [أَصْرَجَا قَبَا] أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْآنَ وَرَدَ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبَا كَلَا وَ حِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُخُولِ وَ بَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ وَ أَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ [السُّؤْلِ] وَ نِهَآيَةُ الْمَأْمُولِ إِلَهِي هَذِهِ أَرْزَمَةُ نَفْسِي غَفَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأْتُهَا بِغَفُوكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَ هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ وَ كَلَنُهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَ رَافَقَتِكَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَارًا لَا عَلَى بَضِيَاءِ الْهُدَى وَ بِالسَّلَامَةِ [السَّلَامَةِ] فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ مَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ الْعِدَى [الْأَعْدَاءِ] وَ وَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ تَوْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تَوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ، وَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَ فَلَقْتُ بِلُطْفِكَ الْفَلَقَ وَ أَنْزَلْتُ بِكَرَمِكَ دَبَاجِي الْعَسَقِ وَ أَنْهَرْتُ الْمِيَاهَ مِنَ الصَّمِّ الصِّيَاخِيدِ عَذْبًا وَ أَجَاجًا وَ أَنْزَلْتُ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لِلْبَرِّيَّةِ سِرَاجًا وَهَاجًا مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لَعُوبًا وَ لَا عِلَاجًا فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ وَ قَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَتْقِيَاءِ وَ اسْمَعْ بِدَائِي ، وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ [أُمْلِي وَ رَجَائِي] يَا خَيْرَ مَنْ دَعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَ الْمَأْمُولِ لِكُلِّ [أَفِي كُلِّ] عُسْرٍ وَ يُسْرِ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي [أَبَابِ] مَوَاهِبِكَ خَائِبًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلِّ اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَ هَوَايَ غَالِبٌ وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَ لِسَانِي مُفَرَّجٌ بِالدُّنُوبِ فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَارَ الْغُيُوبِ وَ يَا غَلَامَ الْغُيُوبِ وَ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

The place of Amal and Raja in the Sabah prayer

Abstract

One of the necessities of human life is hope. A multitude of problems that are associated with humanity, has caused religions in general and Islam in particular to respond to this human need in the sun and reach man with tools. In the meantime, Islam and the school of the Shiite Imam have expressed the right concerns in this regard. One of the tools that makes him more comfortable in this regard is prayer. Prayer directs all hope to God, and on the other hand, internalizes the correct culture of hope and desire, and blends it with the most original realm of human existence (the soul). Hope and aspiration in the Sabah prayer is also reflected in the light of the two words "Raja" and "Amal" in this prayer. In the Sabah prayer, the word "Raja" is mentioned ۴ times and the word "Amal" and its derivatives are mentioned ۳ times. The research method is analytical-descriptive. The present study has tried to analyze the issue of hope and aspiration in this prayer.

From the research findings, we can mention hope as a compensator of slips, aspirations, one of the ways to enter God, hope as a means to knock on the door and as the only capital.

Keywords: Imam Ali (Peace be upon him), raja, hope, amal , Sabah prayer